

رتبه بندی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی

سیامک طایفه^۱ محسن دستگیر*^۲ فرزین رضایی^۳ سعید علی احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۶

چکیده

بر اساس نظریه نمایندگی و با وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مؤدیان مالیاتی و دولت، به طور طبیعی شرکت‌ها سعی می‌کنند در پرداخت مالیات اجتناب کنند. از سوی دیگر دولت‌ها با توجه به محدودیت‌های موجود در تلاشند با شناسایی مؤدیان مالیاتی پریسک، مطابق قوانین و مقررات، مالیات حداکثری را وصول کنند و پژوهش‌گران این حوزه نیز به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی هستند. این تحقیق با رویکردی کیفی-کمی و با هدف رتبه‌بندی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. برای انجام تحقیق حاضر، ابتدا با پرسش از ده خبره دانشگاهی و مالیاتی مستقل نظر از هم، ۳۷ عامل کمی مؤثر بر اجتناب مالیاتی در هشت بُعد، که بر اساس گزارش‌های منتشره در خصوص این شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری است، شناسایی شد. سپس این عوامل و متغیر وابسته، اندازه‌گیری و با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری، اثرگذاری ابعاد، مورد آزمون قرار گرفت. در انتها براساس ابعاد تایید شده، با استفاده از پرسشنامه مقایسه زوجی توزیع شده بین همان خبرگان و تحلیل سلسله مراتبی، رتبه‌بندی انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۷۷ شرکت بورسی بوده که به روش غربالگری انتخاب شدند و دوره زمانی آن، سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۱ است. مصاحبه با خبرگان در سال ۱۳۹۶ انجام و پرسشنامه‌های رتبه‌بندی نیز در سال ۱۳۹۷ توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد ابعاد تایید شده و رتبه‌بندی آنها به شرح زیر است: عوامل تجاری، عوامل راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرِس، عوامل مربوط به گزارش‌های مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگی‌های عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی شرکتی، مؤدیان پرخطر، اطلاعات عام شرکت‌ها، اطلاعات خاص شرکت‌ها.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، s.tayefeh@yahoo.com

^۲ استاد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، نویسنده مسئول، mdastgir@hotmail.com

^۳ دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین farzinrezaei@yahoo.com

^۴ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، s.aliahmadi@khuisf.ac.ir

۱-مقدمه

مالیات، انتقال بخشی از درآمدهای شرکت به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد. یکی از بحث‌های داغ در مورد شرکت‌های سهامی عام سودآور این است که آن‌ها یا مالیات نمی‌پردازند یا مالیات کمی پرداخت می‌کنند. جرقه این بحث با تقلب شرکت‌ها، توسط روزنامه‌ها زده شده بود که ادعا می‌شد شرکت‌های زیادی مالیات به حق پرداخت نمی‌کنند. به‌عنوان نمونه از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ شرکت انرون مالیات متعلق به خود را صفر اعلام و سود حسابداری را ۲/۳ بلیون دلار گزارش کرد. به‌طور مشابه وقتی موسسه حسابرسی اندرسون بابت عدم پاسخگویی به دلیل وجود فاصله بین سود گزارش شده و سود مشمول مالیات مورد سرزنش قرار گرفت؛ وردکام به دادگاه احضار شد (دسلندز و لندری، ۲۰۰۷). در ایران نیز اختلاف مالیات ابرازی مؤدیان و مالیات قطعی آنها که در اغلب یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دیده می‌شود بیانگر تلاش شرکت‌ها برای اجتناب مالیاتی^۱ است. به‌عنوان مثال بر اساس صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت کنتورسازی ایران، مالیات ابرازی این شرکت در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب ۲۸ و ۵۳ میلیارد ریال است در حالیکه مالیات قطعی آن به ترتیب ۴۳ و ۱۰۴ میلیون ریال تعیین شده است. به‌طور کلی، با وجود ظرفیت‌های بالای مالیاتی در ایران، درآمدهای مالیاتی منبع مناسب و قابل اتکایی برای تامین مالی دولت نیست و در حالیکه باوجود تحریم‌های جهانی لازم است این درآمدها در سطح بالا و به‌طور مستمر وصول شوند (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد بحث اجتناب مالیاتی در مورد شرکت‌هایی که مالکیت آن‌ها از مدیریتشان جدا است مطرح (الینگهام و سندمو، ۱۹۷۲) و به دلیل سهم بالای عملکرد آنها در قیاس انفرادی با سایر مؤدیان، دارای اهمیت ویژه‌ای است. در شرکت‌ها به‌طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند (جنسن و مک‌کلینگ، ۱۹۷۶). مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند (دسای و همکاران، ۲۰۰۷). البته هانلون و همکاران (۲۰۱۰) نیز اظهار می‌دارند پدیده اجتناب مالیاتی^۲ می‌تواند ارزشمند باشد و

^۱ . tax avoidance

^۲ .Tax Avoidance

اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

موضوع اجتناب مالیاتی مؤدیان و حسابرسی مالیاتی توسط سازمان امور مالیاتی را می‌توان در قالب نظریه بازی‌ها و نمایندگی مطرح کرد که به دلیل عدم تقارن اطلاعات ایجاد می‌شود. در این الگو مؤدی تصور می‌کند که احتمال دارد مالیات بر اساس اطلاعات تکمیل شده و تحویلی به سازمان مالیاتی برآورد شود. از سوی دیگر، سازمان مالیاتی می‌داند که درآمد اظهار شده بر اساس منفعت مؤدی بوده و فرض بر این است که مالیات مورد انتظار و جرائم مالیاتی با حسابرسی و هزینه‌های اجرای آن قابل افزایش است. با این وجود، محدودیت سازمان در این میان محدودیت منابع مالی و همچنین زمان است. خروجی منطقی این بازی می‌تواند استراتژی عدم تمکین مالیاتی برای مؤدی و حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک برای سازمان مالیاتی باشد. آنچه واضح است این است که برای سازمان مالیاتی راهبرد حسابرسی جامع برای تمام مؤدیان، هزینه‌های به مراتب بیشتر از سایر روش‌های رسیدگی، همانند حسابرسی بر اساس انتخاب تصادفی و حسابرسی بر اساس مدیریت ریسک در بر خواهد داشت (واجا و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین این موضوع جهت رشد و توسعه سیستم‌های مدرن مالیاتی یک استراتژی اساسی را می‌طلبد (واجا و همکاران، ۲۰۱۱). این استراتژی می‌تواند ارائه مدل (های) شناسایی مؤدیان پر ریسک باشد. این تحقیق نیز به دنبال بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی، آرایه مدلی برای تخمین سطح اجتناب مالیاتی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر آن از نظر خبرگان است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی را می‌توان هر معامله یا رویداد تهاجمی یا تدافعی^۱، با هدف کاهش یا تاخیر پرداخت مالیات توسط شرکت دانست (سیندی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۰۵). در اجتناب مالیاتی، مؤدیان با استفاده از روزه‌های مختلف قانونی و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. مؤدیان در برخی موارد، صرفه‌جویی مالیاتی را از طریق فرار مالیاتی انجام می‌دهند. فرار مالیاتی در رابطه با ترتیبات غیرقانونی اتخاذ شده جهت اختفا درآمد یا نادیده گرفتن بدهی مالیاتی به کار می‌رود (بهشتی و رویایی، ۱۳۹۶).

یک جریان عمده در تبیین رفتار اجتناب یا فرار مالیاتی، مدل‌های مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک مرسوم است تا پدیده عدم تمکین مالیاتی را بر بنیان داده‌های مفروض در اقتصاد متعارف، از قبیل حداکثرسازی سود مورد انتظار و اصل عقلانیت فردی تبیین کند (لاری دشت

^۱ . Aggressive or Passive

بیاض و همکاران، ۱۳۹۵). تضاد بین دولت و مؤدیان، منجر به توجه روزافزون به مقوله مالیات در سطح بین‌المللی و همچنین ایران شده است. برای پاسخ به چنین نیازی در سازمان‌های مالیاتی، امروزه بسیاری از سازمان‌های جهانی و کارشناسان حرفه‌ای بر این باورند که پیشرفت‌های صورت گرفته در بحث محاسبات (استفاده از روش‌های آماری پیشرفته و اقتصادسنجی) و استفاده از روش‌های جدید حسابداری در دسترس همچون استفاده از حسابداری تصادفی و حسابداری مبتنی بر ریسک، عواملی مؤثر در جلوگیری از فرار مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین محسوب می‌شود (برزگری خانقاه و فیض‌پور، ۱۳۹۲). از این‌رو محققان این حوزه ارتباط عوامل متعددی را با اجتناب مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر آن بوده‌اند. در این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار و رتبه‌بندی، از اطلاعات عام و خاص شرکت‌ها بهره گرفته شده است.

اطلاعات عام^۱ شرکت‌ها شامل اطلاعاتی است که به ویژگی‌های مختص آنها، مرتبط نیست. از عوامل مرتبط با اطلاعات عام شرکت‌ها، تخصص حسابرسان در صنعت است. فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳) اظهار می‌کنند که بیشتر مؤسسات حسابداری از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش کارکنان و اعضای حرفه‌ای خود در یک صنعت خاص و آموزش افراد حرفه‌ای متخصص در صنعت مربوط به مشتری، تخصص خود را در زمینه‌های مالی و مالیاتی در یک صنعت خاص ارتقا می‌بخشند. رقابتی یا متمرکز بودن صنعت نیز بر سطح اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. به دلیل وجود انسجام صنعتی و قدرت در برخی صنایع می‌توان چنین استدلال کرد که گاهی اوقات آن‌ها از اجرای برخی قوانین یا الزامات سر باز می‌زنند. وجود رقابت در بازار محصولات و تقلید شرکت‌ها از یکدیگر نیز ممکن است به الگو گرفتن شرکت‌های پیرو از سیاست مالیاتی شرکت رهبر شود (لیبرمن و آسابا، ۲۰۰۶) بنابراین سیاست مالیاتی شرکت رهبر می‌تواند بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد. به نقل از دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) حوزه کاری مؤدیان در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به دلیل وجود ساختارها، قوانین و مقررات و سیستم‌های نظارتی متفاوت در وظایف و عملکردها می‌تواند در نحوه رفتار مالیاتی آن‌ها اثرگذار باشد بنابراین نوع صنعت نیز می‌تواند از عوامل مؤثر باشد.

اطلاعات خاص^۲ شرکت‌ها شامل اطلاعاتی است که به ویژگی‌های آنها از جمله مبالغ مندرج در گزارش‌های مالی، مرتبط است. میزان بدهی‌های دارای کارمزد که در صورت‌های مالی گزارش می‌شود به دلیل ایجاد صرفه‌جویی مالیاتی، انگیزه شرکت‌ها را در استفاده از آن بالا می‌برد بنابراین می‌توان گفت شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا به دنبال استفاده از صرفه‌جویی و اجتناب مالیاتی

^۱ . Public information

^۲ . Private Information

هستند. درصد سود تقسیمی نیز می‌تواند از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی باشد چرا که با افزایش درصد یا بازده سود تقسیمی، شرکت با کمبود منابع مالی مواجه شده و ممکن است به فکر جبران آن از طریق پرداخت نکردن یا لاقط دیر پرداخت کردن مالیات باشد (خدمای پور و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج تحقیق روس و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد شرکت‌هایی که در سیاست تقسیم سود، بستانکاری مالیاتی را در نظر می‌گیرند کمتر به دنبال اجتناب مالیاتی هستند. در خصوص سطح نگهداشت وجه نقد، شیبانی تدرجی و همکاران (۱۳۹۷) چنین استدلال می‌کنند که شرکت‌ها برای تامین مالی از طریق اجتناب مالیاتی، می‌توانند از سایر منابع نظیر صدور سهام، صدور اوراق بدهی، عدم پرداخت سود سهام و کاهش هزینه‌های اختیاری استفاده کنند، اما تکیه شرکت‌ها به اجتناب از مالیات یا سایر ابزارها به منظور ایجاد وجه نقد، به هزینه نسبی هر یک از روش‌ها بستگی دارد. انتظار بر این است که اجتناب از مالیات به عنوان ابزاری برای ایجاد وجه نقد، هزینه‌های نسبتاً کمتری داشته باشد. بنابراین سطح نگهداشت وجه نقد بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. در خصوص تأثیرگذاری عدم تقارن اطلاعاتی بر سطح اجتناب مالیاتی می‌توان از دیدگاه تئوری نمایندگی چنین استدلال کرد که محیط غیرشفاف، به مدیریت اجازه می‌دهد تا با پنهان سازی، در راستای مدیریت مالیات گام بردارد. کیفیت افشا نیز می‌تواند بر گستره اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد چرا که اجتناب مالیاتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق به منظور جلوگیری از جرائم احتمالی متعاقب آن است بنابراین ممکن است به تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی و یا ارائه مجدد آن‌ها شود. بنابراین به‌موقع بودن و قابلیت اتکا که نمادی از کیفیت افشا هستند می‌تواند بیانگر این باشد که شرکت به دنبال اجتناب مالیاتی است یا خیر.

همچنین فاصله غیرمعمول بین سود مشمول مالیات و اختلاف دفتری مالیات ممکن است بیانگر دست‌کاری صورت‌های مالی، رفتار مالیاتی تهاجمی، سود گزارش شده ناپایدار و در مجموع کیفیت پایین سود باشد (دسلندز و لندری، ۲۰۰۷) از این رو می‌توان گفت شرکت‌های با اجتناب مالیاتی بالاتر، کیفیت سود پایین‌تری دارند. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) به دیدگاهی اشاره دارند که تأکید می‌کند اجتناب از مالیات وابسته به اقداماتی است که می‌تواند با فعالیت‌های انحرافی از جمله دست‌کاری سود همراه باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۳) لذا مدیریت سود نیز از عوامل مؤثر به شمار می‌آید. همچنین هموارسازی سود مشمول مالیات به مدیران این اجازه را می‌دهد تا سود مشمول مالیات آتی را پیش‌بینی کنند که عدم اطمینان در مورد هزینه‌ها را کاهش و منافع مرتبط با فعالیت برنامه‌ریزی مالیاتی را افزایش می‌دهد (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۳). واتس (۲۰۰۳) نیز چنین استدلال می‌کند شرکت‌ها سعی دارند به‌گونه‌ای رفتار نمایند و حسابداری محافظه‌کارانه به‌کارگیرند که در هزینه مالیات خود صرفه‌جویی نمایند بنابراین محافظه‌کاری غیرشرطی که مشروط به سایر عوامل نیست بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. عامل

دیگر، نسبت‌های مالی است. بدین ترتیب که نحوه محاسبه مالیات در ایران با تکیه بر اطلاعات مربوط به محاسبه سود یعنی درآمدها و هزینه‌هاست. بنابراین می‌توان از نسبت‌های مالی که به اقلام صورت سود و زیان مرتبط است به‌عنوان یک نماینده از اجتناب مالیاتی نام برد.

نتایج پژوهش‌های تجربی صورت گرفته متعددی از جمله اسعدی (۱۳۹۵)، شوروزی و همکاران (۱۳۹۴) و خدادادی و تاکر (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که اصول راهبری خوب شرکت‌ها منجر به عملکرد بهتر شرکت می‌شود. یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد شرکت‌ها می‌باشد مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد. از دیدگاه مد و دونالدسون (۱۹۹۸)، هیئت‌مدیره‌های مستقل‌تر در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات^۱ هستند، زیرا آن‌ها به دلیل استقلالشان یک بینش وسیع‌تر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند. بنابراین ترکیب هیئت‌مدیره بر گستره اجتناب مالیاتی مؤثر است.

توانایی مدیریت نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. برای نمونه آقایی و همکاران (۱۳۹۷) به نقل از کاستر و همکاران (۲۰۱۶) اظهار می‌دارند مدیران توانمند به سه دلیل بیشتر از سایر مدیران درگیر اجتناب مالیاتی هستند: اول اینکه این مدیران بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی تطبیق دهند دوم اینکه در بحث کارایی عملیات بجای کاهش هزینه‌هایی مثل دستمزد، از صرفه‌جویی مالیاتی استفاده می‌کنند و سوم اینکه به این صرفه‌جویی به‌عنوان یک منبع تامین مالی برای پیاده‌سازی استراتژی‌های خود بهره می‌برند. تین و همکاران (۲۰۱۸) نیز در تحقیقی باعنوان "بیش اطمینانی و اجتناب مالیاتی: نقش متقابل هیات مدیره و مدیرعامل" در کشور امریکای سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ به بررسی این موضوع پرداخت که آیا بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکتی تاثیر دارد یا خیر؟ نتایج تحقیق آنها نشان داد زمانیکه هیات مدیره و مدیرعامل هر دو دارای بیش اطمینانی هستند اجتناب مالیاتی بیشتری به کار گرفته می‌شود. پی‌های و همکاران (۲۰۱۴) اظهار می‌کنند اعضای متخصص (حسابداری یا سایر رشته‌های مرتبط) کمیته حسابرسی قادر هستند استراتژی تجاری شرکت را ارزیابی و به‌طور مؤثری اجتناب مالیاتی شرکت را در زمینه استراتژی تجاری مربوطه تحت کنترل داشته باشند. چن و همکاران (۲۰۱۰) سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را باهم مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات،

^۱ . tax management

کمتر اجتناب می‌کنند (مشایخی و صبری، ۱۳۹۳). مینیک و نوگا (۲۰۱۰) نیز بیان می‌کنند وقتی که مدیرعامل در ترکیب هیئت‌مدیره نیز باشد تهدید کمتری برای از دست دادن کار آن وجود دارد و این دوگانگی وظایف باعث می‌شود که مدیر انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد و اثر منفی بر عملکرد شرکت می‌گذارد بنابراین اقدامی در جهت مدیریت مالیات و افزایش عملکرد از سوی مدیرعامل صورت نمی‌گیرد. سطح تحصیلات هیئت‌مدیره نیز بر سطح اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. ریچاردسون (۲۰۰۶) در پژوهشی نتیجه‌گیری می‌نماید که با کاهش پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، افزایش سطح تحصیلات افراد و بهبود منابع درآمدی، میزان اجتناب مالیاتی در کشورها کاهش خواهد یافت (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۳). از دیگر عوامل، مالکیت دولتی است. به عنوان نمونه گول (۲۰۱۰) دریافت شرکت‌هایی که دارای وابستگی سیاسی می‌باشند بر برخی از مصوبات دولت در راستای منافع خود اعمال نفوذ می‌کنند. از سوی دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که مطابق فرضیه هزینه سیاسی، شرکت‌های دولتی بیشتر مورد توجه بوده و امکان اجتناب مالیاتی برای آنها محدودتر می‌شود. وجود مالکان نهادی نیز، از طریق نقش نظارتی و توانایی آنها و همچنین انگیزه آنها برای جلوگیری از خروج وجه نقد یا ایجاد بدهی ناشی از مالیات موثر در اجتناب مالیاتی است.

با اینکه در رویکرد قانونی، اجتناب مالیاتی، مساله قابل پذیرشی است؛ در رویکرد اجتماعی و از نظر آحاد مردم، پرداخت نکردن مالیات به هرشکلی، امر پسندیده‌ای به شمار نمی‌رود و منجر به کاهش حسن شهرت مؤدیان می‌شود بنابراین به نظر می‌رسد شرکت‌های مشهور به جهت داشتن انگیزه مبنی بر از دست ندادن شهرت و جایگاه اجتماعی خود بین عموم مردم و همچنین مسؤولیت اجتماعی، سعی در پرهیز از اجتناب مالیاتی دارند. به‌طور کلی، از آنجا که تمکین مالیاتی شرکتی (اجتناب مالیاتی شرکت) یک رفتار اجتماعی مسئولانه (غیر مسئولانه) است می‌توان گفت هرچه شرکتها در فعالیتهای مرتبط با مسؤولیت اجتماعی بیشتر مشارکت کنند تمکین مالیاتی آنها بیشتر است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶).

بر اساس دیدگاه ارزش‌آفرینی، فعالان بازار سرمایه برای فعالیت‌های اجتناب از مالیات ارزش قایلند و آن را فعالیتی ارزش‌آفرین می‌دانند (مشایخی و علی‌پناه، ۱۳۹۳). بنابراین می‌توان استدلال کرد شرکت‌های دارای ارزش سهام بالاتر احتمالاً اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. هزینه سرمایه نیز می‌تواند از عوامل مؤثر باشد زیرا افزایش آن می‌تواند به افزایش خروج وجوه نقد شود و مدیریت برای جبران آن ممکن است صرفه‌جویی مالیاتی را به‌عنوان یکی از سیاست‌های خود انتخاب کند. همچنین شرکتی که در دوران رشد به سر می‌برد احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام می‌دهد که این خود به هزینه‌های عملیاتی بیشتر منجر می‌شود و نرخ مؤثر مالیاتی

را کاهش می‌دهد. کیم و لیمپافیوم (۱۹۹۸) نیز معتقدند شرکت‌هایی که دارای طرح‌های سرمایه‌گذاری متعدد هستند گاهی اوقات قوانین و فرآیندهای مالیاتی پیچیده‌ای بر آن‌ها مترتب است و سبب پیچیدگی محاسبه مالیات شرکت می‌شود.

عوامل مربوط به حسابرس نیز بر اجتناب مالیاتی مؤثر هستند. لین و همکاران (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر با توجه به حسابرسی‌های دقیق‌تر صورت گرفته مانع از مدیریت مالیات توسط شرکت می‌شوند. همچنین می‌توان چنین استدلال کرد که حسابرسان در سال‌های میانی دوره تصدی نسبت به سال‌های اول و آخر نسبت به صاحب‌کاران خود نرمش کمتری دارند؛ در سال اول آن‌ها می‌خواهند ثابت کنند که با حسابرس قبلی متفاوت هستند و در سال چهارم نیز چون دوره تصدی آن‌ها به اتمام رسیده و قرارداد جدیدی منعقد نخواهد شد نهایت دقت حرفه‌ای خود را به کار خواهند گرفت لذا دوره تصدی حسابرس بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. دونوهو و کنچل (۲۰۱۳) اظهار می‌کنند که انتظار بر این است حسابرسان در شرکت‌هایی که رفتارهای مالیاتی مخاطره‌آمیز دارند بیشتر در معرض دعوی حقوقی قرار گیرند و حسابرسان برای ایجاد سپر دفاعی در قبال این دعوی احتمالی، گزارش خود را سخت‌گیرانه‌تر ارائه می‌کنند بنابراین می‌توان گفت شرکت‌هایی که گزارش تعدیل شده دارند بیشتر به دنبال اجتناب مالیاتی هستند.

به‌طور طبیعی شرکت‌ها به‌منظور دستیابی به مزیت رقابتی پایدار از استراتژی‌های تجاری در جهت کاهش عدم اطمینان استفاده می‌کنند. از آنجایی که اجتناب مالیاتی نیز با ریسک همراه است بنابراین می‌توان گفت اجتناب مالیاتی با عوامل تجاری در ارتباط است. رضایی و شرافتی (۲۰۱۵) به نقل از کتز و همکاران (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند شرکت‌های پیشرو در هر صنعت می‌توانند فرصت‌های بیشتری برای اجتناب مالیاتی و انتقال وجوه حاصل از این سیاست به پروژه‌های سودآور آتی نسبت به پیروان در صنعت، داشته باشند. بنابراین تمرکز شرکت در صنعت از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی به شمار می‌رود. پراکندگی مشتریان و فروشندگان توان برنامه‌ریزی شرکت به‌منظور گزارش هدفمند خریده‌ها و فروش‌ها را کاهش می‌دهد و افزایش توان ممیز در کشف واقعیت در استفاده از سامانه خدمات اطلاع‌رسانی سازمان امور مالیاتی را به دنبال دارد. شرکت‌هایی که به حداقل کردن هزینه‌ها علاقه‌مندند (رهبر در هزینه)، از افزایش صرفه‌جویی در مالیات که به دلیل فعالیت‌های اجتناب مالیاتی رخ می‌دهد، بهره می‌برند، از سوی دیگر شرکت‌هایی که به دنبال فرصت‌های جدید هستند (متمایز ساز) این امکان وجود دارد که این فرهنگ تهاجمی، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (هیگینز و همکاران، ۲۰۱۱). زیمرمن (۱۹۸۳) نیز بیان می‌کند از آنجا که موجودی کالای پایان دوره دارای تأثیر مستقیمی بر سود است این انتظار می‌رود که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ مؤثر

مالیاتی بیشتری باشند. همچنین این امکان وجود دارد که شرکت‌ها از طریق ایجاد شرکت‌های وابسته در مناطق آزاد تجاری و معامله با آن‌ها یا معامله با اشخاص حقیقی نظیر اعضای هیئت‌مدیره و استفاده از روزه‌های کتمان عملیات این اشخاص، جهت اجتناب مالیاتی استفاده کنند (کوان و همکاران، ۲۰۱۰ و پارک، ۲۰۱۸).

یوکوم سان (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسید که اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. می‌توان چنین استدلال کرد که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل ارتباطات قوی‌تر و داشتن مدیران قوی‌تر بهتر می‌توانند از قوانین و دستورالعمل‌های مربوطه بهره بگیرند. دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی چنین استدلال می‌کنند عمر فعالیت شرکت به دلیل تجارب کسب‌شده در نوع رفتار مالیاتی و عمل به تعهدات، می‌تواند بر ریسک وی از دیدگاه سازمان امور مالیاتی مؤثر باشد.

برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی را می‌توان به صورت جدول شماره (۱) خلاصه کرد:

جدول شماره (۱): برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی

نام عامل	تحقیقات داخلی	تحقیقات خارجی
صنعت	دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) - خانی و همکاران (۱۳۹۳)	لیبرمن و آسایا (۲۰۰۶) - فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳)
گزارشگری مالی	رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) - فروغی و محمدی (۱۳۹۲)	روس و همکاران (۲۰۱۷) - دالیوال و همکاران (۲۰۱۱)
راهبری شرکتی	آقایی و همکاران (۱۳۹۷) - مشایخی و صبری (۱۳۹۳)	تین و همکاران (۲۰۱۸) - پی‌های و همکاران (۲۰۱۴)
اجتماعی	(دارابی و همکاران (۱۳۹۶) - سپاسی و همکاران (۱۳۹۶)	واتسون (۲۰۱۵) - کمبل و هالیلود (۲۰۱۶)
بازار سرمایه	مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۳)	کوک و همکاران (۲۰۱۷)
حسابرس	خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴)	دونوهو و کنچل (۲۰۱۳) - لین و همکاران (۲۰۰۹)
تجاری	دیانتی و همکاران (۱۳۹۴) - رضایی و شرافتی (۲۰۱۵)	هیگینز و همکاران (۲۰۱۱) - کوان و همکاران (۲۰۱۰)
عمومی	دستگیر و همکاران (۱۳۹۳)	یوکوم سان (۲۰۱۴)

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه عواملی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیرگذار است و میزان اثرگذاری آنها چقدر است؟

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به موارد گفته‌شده، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر است:

- فرضیه ۱: عوامل مربوط به صنعت بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
- فرضیه ۲: عوامل مربوط به گزارش‌های مالی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
- فرضیه ۳: عوامل راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
- فرضیه ۴: عوامل اجتماعی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
- فرضیه ۵: عوامل مربوط به بازار سرمایه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
- فرضیه ۶: عوامل مربوط به حسابرسان بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
- فرضیه ۷: عوامل تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
- فرضیه ۸: ویژگی‌های عمومی شرکت بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فرایند اجرا (نوع داده) یک پژوهش کمی-کیفی، از منظر نتیجه اجرا یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به‌روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس‌رویدادی) است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای صورت گرفته است. این تحقیق به دنبال علت یابی و آرایه یک الگوی مفهومی جدید نیست بلکه یک تحقیق توصیفی-همبستگی است و با آزمون یکپارچه اثرگذاری عوامل مختلف بر اجتناب مالیاتی به دنبال همگرایی این اثرگذاری است. برای انجام این پژوهش گام‌های ذیل برداشته شد:

گام اول: با مصاحبه از ده خبره دانشگاهی و مالیاتی مستقل نظر از هم، ۳۷ عامل کمی مؤثر بر اجتناب مالیاتی در هشت بُعد، که بر اساس گزارشات منتشره در خصوص این شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری است، شناسایی شد. این عوامل و ابعاد آنها که برای آزمون فرضیه‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند به‌شرح جدول (۲) است.

گام دوم: متغیر وابسته به شش روش، به شرح جدول شماره (۴) و متغیرهای مستقل به شرح جدول شماره (۵) اندازه‌گیری شد.

گام سوم: با رویکرد معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس^۱، تاثیر عوامل و ابعاد آنها بر اجتناب مالیاتی آزمون شد. با توجه به اینکه متغیر وابسته به شش روش مختلف اندازه‌گیری شده بود این اثرگذاری، شش بار به‌صورت جداگانه مورد آزمون قرار

^۱ . Smart PLS

گرفت. مدلی که شاخص نیکویی برازش^۱ آن بالاتر بود به عنوان مدل تحقیق انتخاب گردیده و ابعاد تایید شده آن مدل، ملاک نتیجه‌گیری قرار گرفت.

گام چهارم: پرسشنامه‌ای برای مقایسه زوجی ابعاد تایید شده موثر بر اجتناب مالیاتی تهیه گردید و بین خبرگان گام اول توزیع شد. با استفاده از نتایج پرسشنامه‌های گردآوری شده و روش تحلیل سلسله مراتبی با نرم‌افزار اکسپرت چویس^۲، ابعاد موثر، رتبه‌بندی شدند.

جدول ۲- عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی

نام عوامل	تعداد	نام متغیرها
صنعت	۴	تمرکز صنعت، نوع صنعت، تخصص حسابرس در صنعت و سیاست مالیاتی شرکت رهبر
گزارشگری مالی	۱۰	کیفیت سود، هموارسازی سود، درصد سود تقسیمی، مدیریت سود، محافظه‌کاری غیرشرطی، نسبت‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت افشا، اهرم مالی و سطح نگهداشت وجه نقد
راهبری شرکتی	۸	وجود متخصصین مالی در ترکیب هیات مدیره، سطح تحصیلات هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، مالکیت نهادی، دوگانگی وظایف مدیرعامل، خانوادگی نبودن شرکت، توانایی مدیریت و مالکیت دولتی
اجتماعی	۲	حسن شهرت مالیاتی و مسوولیت‌های اجتماعی
بازار سرمایه	۳	ارزش شرکت، هزینه سرمایه و فرصت رشد
حسابرس	۳	نوع اظهارنظر حسابرس، اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس
تجاری	۵	راهبرد تجاری شرکت، تمرکز مشتری، معامله با اشخاص وابسته، سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و تمرکز شرکت
ویژگی‌های عمومی	۲	عمر شرکت و اندازه شرکت
جمع	۳۷	

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش با توجه به جدول (۳) انتخاب شده است.

^۱ . Goodness of Fit (GOF)

^۲ . Expert Choice

جدول ۳-جامعه آماری تحقیق

تعداد شرکت	شرح
۳۲۵	جامعه آماری در پایان سال ۱۳۹۵
(۶۶)	شرکت‌هایی که جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بانک‌ها می‌باشند.
(۷۷)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها طی پژوهش منتهی به پایان اسفند نمی‌باشند.
(۵۱)	شرکت‌هایی که بیش از شش ماه وقفه معاملاتی داشته‌اند.
(۱۰)	شرکت‌هایی که داده‌های آنها برای متغیرهای پژوهش در دسترس نیست.
(۴۴)	شرکت‌هایی که حداقل در طی یکی از دوره‌های تحقیق زیان ده بوده‌اند.
۷۷	نمونه

متغیر وابسته

در این پژوهش، روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی به شرح جدول (۴) است.

جدول ۴- روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی (رضایی و شرافتی، ۲۰۱۵)

نام متغیر	نحوه محاسبه	توضیحات
Y ₁	اجتناب مالیاتی غیرعادی	مدل دسای و دارماپالا (۲۰۰۹)
Y ₂	اختلاف دائمی مالیاتی	اختلاف مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی
Y ₃	اجتناب تعهدی بلندمدت مالیاتی	اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت تعهدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت تعهدی صنعت
Y ₄	اجتناب تعهدی مالیاتی	نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی صنعت
Y ₅	اجتناب نقدی مالیاتی	اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی نقدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی نقدی صنعت
Y ₆	اجتناب نقدی بلندمدت مالیاتی	اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت نقدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت نقدی صنعت

اجتناب مالیاتی غیرعادی (Y₁): مقدار باقیمانده رگرسیون مدل (۱) به شکل غلتان و برای پنج سال با شرکت‌های هم‌صنعت یک برآورد از اجتناب مالیاتی غیرعادی است (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹):

$$PBTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TACC_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در مدل (۱)، $PBTD_{i,t}$ بیانگر اختلاف دائمی مالیات و $TACC_{i,t}$ کل اقلام تعهدی است و با استفاده از روابط (۱) و (۲) محاسبه می‌شود:

$$PBTD_{i,t} = \left| \frac{TAXDIFF_{i,t}}{TA_{i,t}} \right| \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$TACC_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} + \Delta STD_{i,t} - \Delta DEP_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در روابط (۱) و (۲) $TAXDIFF_{i,t}$ مالیات تشخیصی منهای ابرازی، $TA_{i,t}$ جمع کل دارایی‌ها، $\Delta CA_{i,t}$ تغییر در دارایی‌های جاری، $\Delta CL_{i,t}$ تغییر در بدهی‌های جاری، $CASH_{i,t}$ تغییر در وجه نقد، $\Delta STD_{i,t}$ تغییر سهم جاری بدهی‌های بلندمدت و $\Delta DEP_{i,t}$ هزینه استهلاک شرکت i در سال t است.

متغیرهای مستقل

در این پژوهش، روش‌های اندازه‌گیری متغیرهای مستقل به شرح جدول (۵) است.

جدول ۵- روش‌های اندازه‌گیری متغیرهای مستقل

عوامل	نام متغیر	شیوه اندازه‌گیری	
اطلاعات عام شرکت‌ها	عوامل مربوط به صنعت	مدل پالم رز (۱۹۸۶)	
		شاخص هرفیندال-هیرشمن	
		تفاوت مالیات تشخیصی و پرداختی نسبت به شرکت رهبر در هر صنعت	
اطلاعات خاص شرکت‌ها	عوامل مربوط به گزارش‌های مالی	انحراف معیار پنج ساله اختلاف دائمی مالیات شرکت‌ها نسبت به میانگین صنعت	
		اهرم مالی	
		تقسیم بدهی‌های بهره‌دار بر جمع دارایی‌ها	
	عوامل مربوط به گزارش‌های مالی	بازده سود تقسیمی	تقسیم نسبت سود تقسیمی به فروش خالص
		سطح نگهداشت وجه نقد	مدل اوپلر و همکاران (۱۹۹۹)
		کیفیت افشا	معکوس رتبه کیفیت افشا شرکت‌ها از نظر بورس اوراق بهادار تهران
		کیفیت سود	مدل بن هسین بائو (۲۰۰۴)
		عدم تقارن اطلاعاتی	مدل ونکاتش و جیانگ (۱۹۸۶)
		مدیریت سود	مدل جونز (۱۹۹۱)
اطلاعات خاص شرکت‌ها	عوامل مربوط به گزارش‌های مالی	محافظه‌کاری غیرشرطی	
		مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰)	

نسبت‌های مالی	به ازای هر نسبت مالی، سال-شرکتهای دارای عددی بالاتر از میانگین صنعت عدد یک و پایین‌تر از آن عدد صفر اختصاص داده شد. برای هر سال-شرکت اگر تعداد یکپهای منظور شده، بیشتر بود به آن عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص داده شد. این نسبت‌ها در ادامه معرفی شده است.	عوامل راهبردی شرکتی
هموارسازی سود	مدل دیچو و همکاران (۲۰۱۰)	
ترکیب هیئت‌مدیره	درصد افراد غیرموظف در هیئت‌مدیره	
توانایی مدیریت	مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳)	
عدم تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره	عدد صفر در صورت وجود تحصیل کرده (گان) رشته‌های حسابداری، مالی، مدیریت یا اقتصاد در ترکیب هیئت‌مدیره و یک در غیر این صورت.	
خانوادگی نبودن	عدد صفر در صورت خانوادگی بودن و یک در غیر این صورت.	
عدم عضویت مدیرعامل در هیات مدیره	عدد صفر در صورت داشتن یک کرسی در هیئت‌مدیره توسط مدیرعامل و یک در غیر این صورت.	
سطح تحصیلات هیئت‌مدیره	داشتن مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک	
مالکیت دولتی	شرکت‌های دولتی متغیر مجازی یک و برای غیردولتی عدد صفر	
مالکیت نهادی	درصد مالکیت سهامداران نهادی	
عوامل اجتماعی	نداشتن حسن شهرت مالیاتی	عوامل اجتماعی
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	روش تحلیل پوششی داده‌ها	
عوامل سرمایه	ارزش شرکت	عوامل سرمایه
هزینه سرمایه	مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای	
فرصت رشد	نسبت توبینز کیو (تقسیم ارزش بازار سهام و بدهی‌های شرکت به ارزش دفتری دارایی‌های آن).	
عوامل حسابرسان	اندازه حسابرسان	عوامل حسابرسان
دوره تصدی حسابرسان	صفر برای صاحبکاران سازمان حسابرسان یا موسسه مفید راهبر و یک برای سایرین	
نوع اظهارنظر حسابرسان	عدد صفر برای تعویض حسابرسان در سال اول یا چهارم تعویض و یک برای غیره	
عوامل تجاری	تمرکز شرکت در صنعت	عوامل تجاری
تمرکز مشتری	سهم مشتریان عمده از فروش شرکت	
راهبرد تجاری	تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی	

برای بیشتر بودن موجودی پایان دوره از اول دوره صفر و در غیر این صورت یک	سرمایه گذاری در موجودی کالا		
مبلغ معاملات با اشخاص وابسته شرکت تقسیم بر دارایی-های آن	معامله با اشخاص وابسته		
لگاریتم طبیعی متوسط دارایی‌ها و فروش	اندازه شرکت	ویژگی‌های شرکتی	
لگاریتم طبیعی عمر فعالیت شرکت از تاریخ پروانه بهره-برداری	عمر شرکت		

تخصیص حسابرس در صنعت: بر اساس مدل پالم رز (۱۹۸۶) حسابرسی متخصص تلقی می‌شود که سهم بازارش (که از حاصل تقسیم دارایی‌های صاحب کاران حسابرس در یک صنعت بر دارایی‌های کل صاحب کاران صنعت به دست می‌آید) از حاصل ضرب معکوس تعداد شرکت‌های فعال در صنعت در عدد نیم بیشتر باشد. در این پژوهش برای شرکت‌های متخصص عدد یک و برای بقیه صفر لحاظ شده است.

تمرکز صنعت: شاخص هر فیندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری تمرکز صنعت از حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه صنایع فعال در بازار به شرح مدل (۲) به دست می‌آید:

$$HI = \left(\sum_{i=1}^n \frac{x_i}{x} \right)^2 \quad \text{مدل (2)}$$

در مدل (۲)، تعداد صنایع موجود در بازار (n)، اندازه فروش بازار (X) و سهم فروش صنایع در بازار (Xi) است.

سیاست مالیاتی شرکت رهبر: شرکتی که مالیات پرداختی منهای تشخیصی آن در یک سال مشخص بیشتر از سایر شرکت‌های آن صنعت-سال باشد شرکت رهبر است (رضایی و زارع، ۲۰۱۴).

سطح نگهداشت وجه نقد: متغیر سطح نگهداشت وجه نقد مطابق مدل اوپلر و همکاران (۱۹۹۹) به وسیله لگاریتم طبیعی نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به کل دارایی‌ها غیر از وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت ارزیابی می‌شود (فروغی و محمدی، ۱۳۹۲). در این پژوهش معکوس سطح نگهداشت وجه نقد این مدل، مورد استفاده قرار گرفته است.

کیفیت سود: برای تعیین شرکت‌های باکیفیت سود بالا یا پایین به تبعیت از بن حسین باثو (۲۰۰۴) می‌توان از سه شاخص استفاده کرد: ۱. محتوای نقدی سودها (نسبت جریان نقد عملیاتی هر سهم به سود هر سهم) بیش از میانگین این نسبت در کل نمونه باشد، ۲. جریان نقد هر سهم حاصل از فعالیت‌های عملیاتی مثبت باشد و ۳. سود هر سهم آن مثبت باشد (سود هر سهم قبل از اقلام غیرمترقبه مثبت باشد)؛ اگر شرکتی هر سه ویژگی مذکور را داشته باشد، شرکتی است که سودهای آن باکیفیت است و اگر شرکتی حتی یکی از سه شرط فوق را نداشته باشد، سودهای

آن دارای کیفیت پایین است. در این پژوهش برای شرکت‌های دارای کیفیت پایین سود عدد یک و شرکت‌های دارای کیفیت بالای سود عدد صفر لحاظ شده است.

(۵-۶). برای ارزیابی عدم تقارن اطلاعاتی به تبعیت از ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به شرح مدل (۳) استفاده شده است.

$$\text{Spread}_{i,t} = \frac{(AP - BP) * 100}{(AP + BP)/2} \quad \text{مدل (۳)}$$

در مدل (۳) $\text{Spread}_{i,t}$ تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، AP میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام و BP میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام است. هرچه دامنه فوق بالاتر باشد عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است.

مدیریت سود: در پژوهش حاضر از مدل جونز (۱۹۹۰) برای ارزیابی مدیریت سود استفاده شده است. بدین منظور ابتدا کل اقلام تعهدی ($\text{TACC}_{i,t}$) مطابق رابطه (۲) محاسبه شده، سپس رگرسیون مدل (۴) به صورت غلتان پنج‌ساله و در سطح سال-صنعت اعمال شده است.

$$\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \text{TACC}_{i,t} = \alpha_1 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \Delta \text{REV}_{i,t} \right) + \alpha_3 \left(\frac{1}{\text{TA}_{i,t-1}} \text{PPE}_{i,t} \right) + \epsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

در مدل (۴) $\Delta \text{REV}_{i,t}$ تغییر در درآمد فروش، $\text{PPE}_{i,t}$ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، $\text{TA}_{i,t-1}$ کل ارزش دفتری دارایی‌ها و مقادیر باقیمانده رگرسیون مدل (۴) بیانگر مدیریت سود است.

محافظه کاری غیرشرطی: سطح محافظه کاری بر اساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) از طریق مدل (۵) برآورد شده است. مقدار حاصله از فرمول هر چه بیشتر باشد؛ سطح محافظه کاری بالاتر است.

$$\text{CSCORE}_{i,t} = \text{AFCC}_{i,t} / \text{TA}_{i,t} \times (-1) \quad \text{مدل (۵)}$$

در مدل (۵) $\text{CSCORE}_{i,t}$ درجه محافظه کاری، $\text{AFCC}_{i,t}$ اقلام تعهدی عملیاتی (تفاوت سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک) و $\text{TA}_{i,t}$: ارزش دفتری دارایی‌ها است. **نسبتهای مالی:** نسبت‌های مالی به کار گرفته شده این تحقیق که در پژوهش باقری و عموری (۱۳۸۸) مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از: نسبت سود خالص، نسبت سود عملیاتی، نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش، سود خالص هر سهم، نسبت گردش موجودی کالا، دوره گردش موجودی کالا، سود خالص به دارایی ثابت، سود خالص به حقوق صاحبان سهام، سود عملیاتی به دارایی ثابت، سود عملیاتی به حقوق صاحبان سهام، سرمایه در گردش، سود خالص به سرمایه در گردش، سود عملیاتی به سرمایه در گردش، نسبت گردش مجموع داراییها و نسبت گردش داراییهای ثابت.

هموارسازی سود: به تبعیت دیچو و همکاران (۲۰۰۰) هرچه نسبت حاصل از مدل (۶) کوچکتر باشد سود هموارتر است.

$$ES_{i,t} = \frac{SD_{i,t} (Earnings_i/TA_i)}{SD_{i,t} (CFO_i/TA_i)} \quad \text{مدل (۶)}$$

در مدل (۶)، $ES_{i,t}$ سود هموارشده، $SD_{i,t} (Earnings_i/TA_i)$ انحراف استاندارد سود عملیاتی تقسیم بر خالص دارایی‌ها و $SD_{i,t} (CFO_i/TA_i)$ انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی تقسیم بر خالص دارایی‌های شرکت i است.

توانایی مدیریت: برای برآورد توانایی مدیریت به تبعیت از دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) ابتدا با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها و مدل (۷) کارایی شرکت برآورد شده است.

$$Max_{v,\theta} = \frac{sales}{v_1 CoGs + v_2 PPE + v_3 OpeExp} \quad \text{مدل (7)}$$

در مدل (۷)، $sales$ فروش، $CoGs$ بهای تمام‌شده کالای فروش رفته، PPE دارایی‌های ثابت، و $OpeExp$ هزینه‌های عملیاتی تعریف می‌شود. برای ارزیابی توان مدیریت، خروجی تحلیل پوششی داده‌ها به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مربوط به ویژگی‌های ذاتی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و مقدار باقی‌مانده حاصل از رگرسیون غلطان پنج ساله و با شرکت‌های هم صنعت بیانگر توانایی مدیریت است. ویژگی‌های ذاتی شرکت در این روش عبارتند از: اندازه شرکت (لگاریتم مجموع دارایی‌ها)، سهم بازار فروش شرکت نسبت به صنعت، جریان نقدی شرکت (جریان نقدی مثبت یک و در غیر این صورت صفر)، عمر پذیرش شرکت در بورس (لگاریتم سال‌های پذیرش) و فروش خارجی (در صورت وجود صادرات یک در غیر این صورت صفر).

نداشتن حسن شهرت مالیاتی: در این پژوهش، شرکت‌هایی که انحراف معیار پنج ساله اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی‌شان از میانگین کل نمونه کمتر و نسبت مالیات پرداختی به درآمدشان از میانگین کل نمونه بیشتر باشد شرکت‌های دارای حسن شهرت مالیاتی در نظر گرفته شده است (رضایی و شرافتی، ۲۰۱۵).

مسئولیت پذیری اجتماعی: برای محاسبه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها با بازده نسبت به مقیاس متغیر ورودی محور استفاده شده است. بدین منظور، مسئولیت قانونی (با شاخص امتیاز افشا، بیمه پرداختی سهم کارفرما و مالیات بر عملکرد پرداختی)، مسئولیت اخلاقی (با شاخص اقلام تعهدی اختیاری (به شرح مدل ۴)) و مسئولیت داوطلبانه (با شاخص تعداد کارکنان و درصد سهام شناور آزاد) به‌عنوان ورودی‌ها و مسئولیت اقتصادی (با شاخص ارزش شرکت (نسبت تویینزکیو))، نرخ رشد فروش و نرخ بازده سالانه سهام

به‌عنوان خروجی مدل تحلیل پوششی داده‌ها است. در این تحقیق، معکوس خروجی تحلیل پوششی داده‌ها معیاری برای این متغیر است (رضایی و رحیمی آتانی، ۱۳۹۵).
هزینه سرمایه: برای ارزیابی هزینه سرمایه سهام عادی از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده شده است:

$$E(R_i) = R_f + \beta(E(R_m) - R_f) \quad \text{مدل (۸)}$$

در مدل (۸)، $E(R_i)$ بازده مورد انتظار سهام، (R_f) بازده بدون ریسک، β بتای سهام و $(E(R_m))$ بازده مورد انتظار بازار است.

تمرکز شرکت در صنعت: شاخص هرفیندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری تمرکز شرکت از حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه بنگاه‌های فعال در هر صنعت به شرح مدل (۲) دست آمده است. با این تفاوت که در این مدل، (n) تعداد بنگاه‌های موجود در صنعت، (X) اندازه فروش هر صنعت و (X_i) سهم فروش شرکت‌های فعال در آن صنعت است.

تمرکز مشتری: شاخص هرفیندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری تمرکز مشتری از حاصل جمع توان دوم سهم خرید مشتریان عمده هر شرکت به شرح مدل (۲) دست آمده است. با این تفاوت که در این مدل، (n) تعداد مشتریان عمده، (X) اندازه فروش شرکت و (X_i) سهم فروش مشتریان عمده شرکت است.

راهبرد تجاری: به‌منظور تفکیک راهبرد تجاری شرکت‌ها، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی^۱، مشابه روش ساین و آگاروال (۲۰۰۲)، از دو شاخص نسبت کارایی دارایی و توانایی کسب حاشیه سود استفاده شده است. شاخص اول از طریق نسبت فروش به کل دارایی‌ها و شاخص دوم از طریق نسبت سود ناخالص به فروش کل اندازه‌گیری شده است. در این پژوهش شرکت‌ها به چهار گروه تقسیم شده‌اند. شرکت‌هایی که شاخص اول/دوم آن‌ها هم‌زمان از میانگین صنعت-سال بالاتر/پایین‌تر باشد شرکت‌های رهبر در هزینه و شرکت‌هایی که شاخص اول/دوم آن‌ها هم‌زمان از میانگین صنعت-سال پایین/بالاتر باشد شرکت‌های متمایز ساز تلقی شده‌اند. در این پژوهش برای شرکت‌های دارای استراتژی (رهبر در هزینه یا متمایز ساز) عدد یک و مابقی عدد صفر اختصاص داده شده است (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۴).

۵- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول (۶)، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود انحراف معیار متغیرها صفر نیستند، بنابراین می‌توان متغیرهای مورد بررسی را در مدل‌ها

^۱ . Hierarchical cluster analysis

وارد کرد. تحلیل ارقام مندرج در جدول آمار توصیفی در دو بخش انجام می‌شود: الف) متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی غیرعادی دارای حداقل ۰/۰۸-، حداکثر ۰/۱۸۶ و چولگی ۲/۳۷۳ است. باتوجه به اینکه اجتناب مالیاتی غیرعادی مقدار باقیمانده حاصل از رگرسیون غلتان مدل دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) است می‌تواند دارای مقدار منفی یا مثبت باشد. چولگی مثبت این متغیر نیز بدین معنی است که تعداد شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی غیرعادی بالاتری دارند نسبت به آنهایی که اجتناب مالیاتی غیرعادی کمتری دارند، دارای فراوانی کمتری هستند.

جدول (۶): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد مشاهدات	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
اجتناب مالیاتی غیرعادی	۳۸۵	-۰/۰۰۳	۰/۱۸۶	-۰/۰۸	۰/۰۳۳	۲/۳۷۳	۱۲/۴۰۹
اختلاف دائمی مالیاتی	۳۸۵	۰/۰۰۷	۰/۳۳۲	۰	۰/۰۲۰	۱۱/۶۰۰	۱۸/۱۳۲
اجتناب تعهدی بلندمدت مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۰۳	۱/۰۶۴	-۱/۹۰۰	۰/۲۳۷	-۳/۵۴۶	۳۶/۹۹۸
اجتناب تعهدی مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۰۵	۰/۴۱۶	-۱/۲۰۱	۰/۱۴۶	-۲/۴۸۸	۲۲/۲۲۱
اجتناب نقدی مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۲۱	۰/۱۶۴	-۰/۳۳۵	۰/۰۸۰	۰/۰۳۵	۲/۶۶۱
اجتناب نقدی بلندمدت مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۲۸	۰/۱۷۵	-۰/۴۴۵	۰/۰۸۸	-۰/۲۸۲	۵/۷۵۵
عوامل مربوط به صنعت							
تخصص حسابرس در صنعت	۳۸۵	۰/۷۴۸	۱	۰	۰/۴۳۵	-۱/۱۴۷	۰/۶۸۷
تمرکز صنعت	۳۸۵	۰/۰۲۰	۰/۱۸۳	۰	۰/۰۳۷	۲/۳۷۵	۸/۹۲۲
سیاست مالیاتی شرکت رهبر	۳۸۵	-۰/۰۰۴	۰/۵۹۰	-۰/۵۶۰	۰/۰۸۹	۰/۸۱۱	۸/۵۶۹
نوع صنعت	۳۸۵	۰/۰۲۴	۰/۵۰۲	۰	۰/۰۵۹	۵/۸۴۴	۴۰/۸۳۶
عوامل مربوط به گزارش‌های مالی							
اهرم مالی	۳۸۵	۰/۵۵۶	۱/۲۵۲	۰/۱۱۱	۰/۲۰۳	۰/۴۲۸	۲/۹۴۸
بازده سود تقسیمی	۳۸۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۲	۰	۰/۰۰۳	۵/۳۷۵	۳۹/۶۴۴
سطح نگذاشت وجه نقد	۳۸۵	-۲/۳۲۰	-۰/۴۳۴	-۴/۴۱۱	۰/۷۱۲	۰/۶۰۵	۰/۱۲۴
کیفیت افشا	۳۸۵	۰/۰۱۱	۰/۱۸۶	-۰/۰۸	۰/۰۵۶	۱/۹۶۸	۶/۱۹۹
کیفیت سود	۳۸۵	۰/۷۱۹	۱	۰	۰/۴۴۹	۰/۹۸۱	-۱/۰۴۳
عدم تقارن اطلاعاتی	۳۸۵	۲/۸۸۵	۵/۵۴۶	۰	۲/۳۰۲	۰/۵۴۱	۰/۴۵۵
مدیریت سود	۳۸۵	۰/۰۰۲	۱/۰۸۴	-۰/۵۲۰	۰/۱۶۲	۱/۰۰۲	۸/۶۹۳
محافظه‌کاری غیرشرطی	۳۸۵	-۰/۰۶۷	۰/۳۸۰	-۰/۴۸۰	۰/۱۱۴	-۰/۳۲۳	۱/۵۸۵
نسبتهای مالی	۳۸۵	۰/۲۲۳	۱	۰	۰/۴۱۷	۱/۳۲۸	۲/۷۶۴
هموارسازی سود	۳۸۵	۱/۲۸۷	۱۹/۷۷۰	۰/۰۱۰	۲/۲۲۱	۴/۹۱۵	۷/۷۲۶
عوامل راهبری شرکتی							
ترکیب هیات مدیره	۳۸۵	۰/۵۷۹	۱	۰	۰/۲۱۴	-۰/۱۳۲	۳/۱۱۹
توانایی مدیریت	۳۸۵	۰/۴۴۶	۱	۰/۰۳۷	۰/۲۵۱	۰/۸۲۱	۲/۶۷۰
تخصص اعضای هیات مدیره	۳۸۵	۰/۳۴۵	۱	۰	۰/۴۷۶	۰/۶۵۰	۱/۴۲۲

خانوادگی نبودن	۳۸۵	۰/۷۵۰	۱	۰	۰/۴۳۳	-۱/۱۶۳	-۰/۶۵۰
عدم عضویت مدیر عامل در هیات مدیره	۳۸۵	۰/۸۲۳	۱	۰	۰/۳۸۱	-۱/۶۹۵	۳/۸۷۶
تحصیلات اعضای هیات مدیره	۳۸۵	۰/۵۰۶	۱	۰	۰/۵۰۰	-۰/۰۲۵	۱/۰۰۰
مالکیت دولتی	۳۸۵	۰/۱۴۸	۱	۰	۰/۳۵۵	۱/۹۸۱	۴/۹۲۸
مالکیت نهادی	۳۸۵	۰/۶۷۹	۰/۹۰۰	۰	۰/۲۴۱	-۱/۲۱۳	۰/۷۴۳
عوامل اجتماعی							
نداشتن حسن شهرت مالیاتی	۳۸۵	۰/۲۳۶	۱	۰	۰/۴۲۵	۱/۲۴۶	-۰/۴۵۰
مسئولیت پذیری اجتماعی	۳۸۵	۰/۷۴۶	۱	۰	۰/۲۰۹	-۰/۰۶۸	-۱/۳۳۶
عوامل بازار سرمایه							
ارزش سهام شرکت	۳۸۵	۰/۸۴۲	۴/۵۳۹	-۰/۰۰۱	۰/۷۴۱	۱/۵۹۵	۶/۳۰۹
هزینه سرمایه	۳۸۵	۰/۴۲۲	۰/۶۳۰	۰/۰۴۰	۰/۲۳۶	۱/۳۳۱	۲/۰۱۶
فرصت رشد	۳۸۵	۱/۲۸۷	۶/۵۶۰	۰/۱۳۰	۱/۰۰۷	۱/۹۱۷	۵/۰۰۳
عوامل مربوط به حسابرس							
اندازه حسابرس	۳۸۵	۰/۲۶۲	۱	۰	۰/۴۴۰	۱/۰۸۰	۲/۱۶۷
دوره تصدی حسابرس	۳۸۵	۰/۵۵۵	۱	۰	۰/۴۹۷	-۰/۲۲۶	-۱/۹۵۹
نوع اظهار نظر حسابرس	۳۸۵	۰/۵۴۰	۱	۰	۰/۴۹۹	-۰/۱۶۴	-۱/۹۸۴
عوامل تجاری							
تمرکز شرکت	۳۸۵	۰/۱۶۵	۰/۶۵۶	-۰/۰۰۱	۰/۲۱۷	۱/۲۲۰	۲/۸۸۴
تمرکز مشتری	۳۸۵	۰/۳۰۸	۱	۰	۰/۳۳۵	-۰/۸۳۲	۲/۴۲۸
راهبرد تجاری	۳۸۵	۰/۲۶۲	۱	۰	۰/۴۴۰	۱/۰۸۰	۲/۱۶۷
سرمایه گذاری در موجودی کالا	۳۸۵	۰/۲۹۸	۱	۰	۰/۴۵۸	۰/۸۸۳	-۱/۲۲۷
معامله با اشخاص وابسته	۳۸۵	۰/۲۶۷	۰/۹۹۱	۰	۰/۲۸۰	۰/۹۷۱	۲/۸۰۶
ویژگی های عمومی							
اندازه شرکت	۳۸۵	۱۴/۱۶۰	۱۸/۰۱۰	۱۱/۳۱۴	۱/۲۰۵	۰/۶۹۶	۳/۷۶۳
عمر شرکت	۳۸۵	۴/۸۹۹	۴/۳۱۷	۳/۱۷۸	۰/۱۴۷	-۰/۳۱۶	-۰/۶۷۶

ضمن اینکه به طور طبیعی مالیات تشخیصی از مالیات ابرازی بیشتر و اختلاف دائمی مالیات دارای حداقل صفر است و از آنجایی که مالیات تشخیصی و ابرازی بر سود قبل از مالیات تقسیم شده اند دارای حداکثر کمتر از یک است. اجتناب نقدی و تعهدی مالیاتی که تفاوت هر سال - شرکت با میانگین سال - صنعت است نیز می تواند دارای حداقل و حداکثر منفی یا مثبت باشد. (ب) متغیرهای مستقل: تخصص حسابرس در صنعت دارای میانگین ۰/۷۴۸ و چولگی ۱/۱۴۷- است. این میانگین بدین معنی است که در ۲۸۷ سال - شرکت، حسابرسان به صورت تخصصی فعالیت می کنند و چولگی منفی هم نشان می دهد شرکت هایی که توسط حسابرسان متخصص در صنعت حسابرسی می شوند دارای فراوانی زیادی هستند. مدیریت سود دارای حداقل و حداکثر ۵۲/۰- و ۱/۰۸۴ و میانگین ۰/۰۲ است. میانگین اهرم مالی نشان می دهد به طور متوسط ۵۵

درصد مجموع دارایی‌های شرکت‌ها توسط بدهی‌های بهره‌دار، تامین مالی شده است. باتوجه به اینکه برخی شرکتها در برخی سالها سود تقسیمی ندارند و شرکتهای زیان‌ده از نمونه شرکتها حذف شده‌اند متغیر بازده سود تقسیمی دارای حداقل صفر است. با توجه به اینکه نسبتهای مالی به متغیر مجازی تبدیل شدند دارای حداقل و حداکثر صفر هستند. امتیاز کیفیت افشا که توسط سازمان بورس اوراق بهادار اعلام می‌شود دارای حداکثر ۱۰۰ و حداقل منفی است؛ بنابراین معکوس آن که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته دارای حداکثر کمتر از یک و حداقل منفی است، میانگین ۰/۰۱۱ نشان می‌دهد از نظر سازمان بورس، میانگین امتیاز کیفیت افشا ۹۰ از ۱۰۰ است. چولگی کیفیت افشا هم ۱/۹۶۸ است. باتوجه به اینکه در این تحقیق، در اندازه‌گیری این متغیر، معکوس امتیاز کیفیت افشا لحاظ شده است این چولگی بدین معنی است که شرکتهایی که گزارشهای مالی آنها از نظر ویژگی‌های به‌موقع بودن و قابلیت اتکا، دارای کیفیت پایین‌تری نسبت به بقیه هستند از فراوانی بالایی برخوردار نیستند.

میانگین ۰/۸۲۳، ۰/۳۴۵، ۰/۵۰۶ و ۰/۱۴۸ برای متغیرهای به ترتیب دوگانگی وظایف مدیرعامل، ترکیب هیات مدیره، تخصص اعضای هیات مدیره، تحصیلات اعضای هیات مدیره و دولتی بودن نشان می‌دهد در هیات مدیره ۳۱۶ سال-شرکت مدیرعامل عضو هیات مدیره نیست؛ علیرغم تکلیف قانونی شرکتها در هیات مدیره ۱۳۳ سال-شرکت هیچیک از اعضا دارای تخصص مالی، مدیریتی یا اقتصادی نیستند؛ در ۱۹۲ سال-شرکت نیمی از اعضای هیات مدیره شرکتها دارای مدرک تحصیلی زیر فوق لیسانس هستند و ۵۷ سال-شرکت در زمره شرکتهای دولتی هستند. متغیر نداشتن حسن شهرت مالیاتی دارای میانگین ۰/۲۳۶ است یعنی در ۹۰ سال-شرکت حسن شهرت مالیاتی ضعیف است. ارزش سهام شرکت دارای حداکثری ۴/۵۳۹ است یعنی شرکتی وجود دارد که ارزش سهام آن ۴/۵ برابر داراییهای آن شرکت است. میانگین اندازه حسابرس برابر ۰/۲۶۲ است یعنی ۱۰۰ سال-شرکت از مجموع ۳۸۵ سال-شرکت توسط موسساتی غیر از سازمان حسابرسی و موسسه مفیدراهر حسابرسی شده‌اند.

میانگین و چولگی راهبرد تجاری به ترتیب ۰/۲۶۲ و ۱/۰۸۰ است. میانگین این متغیر نشان می‌دهد حدود ۱۰۰ شرکت دارای راهبرد تجاری بوده و چولگی مثبت بیانگر فراوانی کمتر شرکت‌های بدون راهبرد تجاری است. عمر شرکت نیز دارای حداقل و حداکثر و میانگینی به میزان ۳/۱۷۸، ۴/۳۱۷ و ۳/۸۹۹ است. یعنی تاریخ صدور پروانه بهره‌برداری شرکت‌های مورد بررسی در بازه ۲۴ تا ۷۵ سال است و بطور میانگین حدود نیم قرن سابقه فعالیت دارند. پرسشنامه‌ای که برای مقایسه زوجی تهیه گردید بین ده نفر از خبرگان توزیع شد. خبرگان، از بین پنج عضو هیات علمی دانشگاه و پنج نفر از مدیران سازمان مالیاتی که دارای مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد حسابداری هستند، انتخاب گردید.

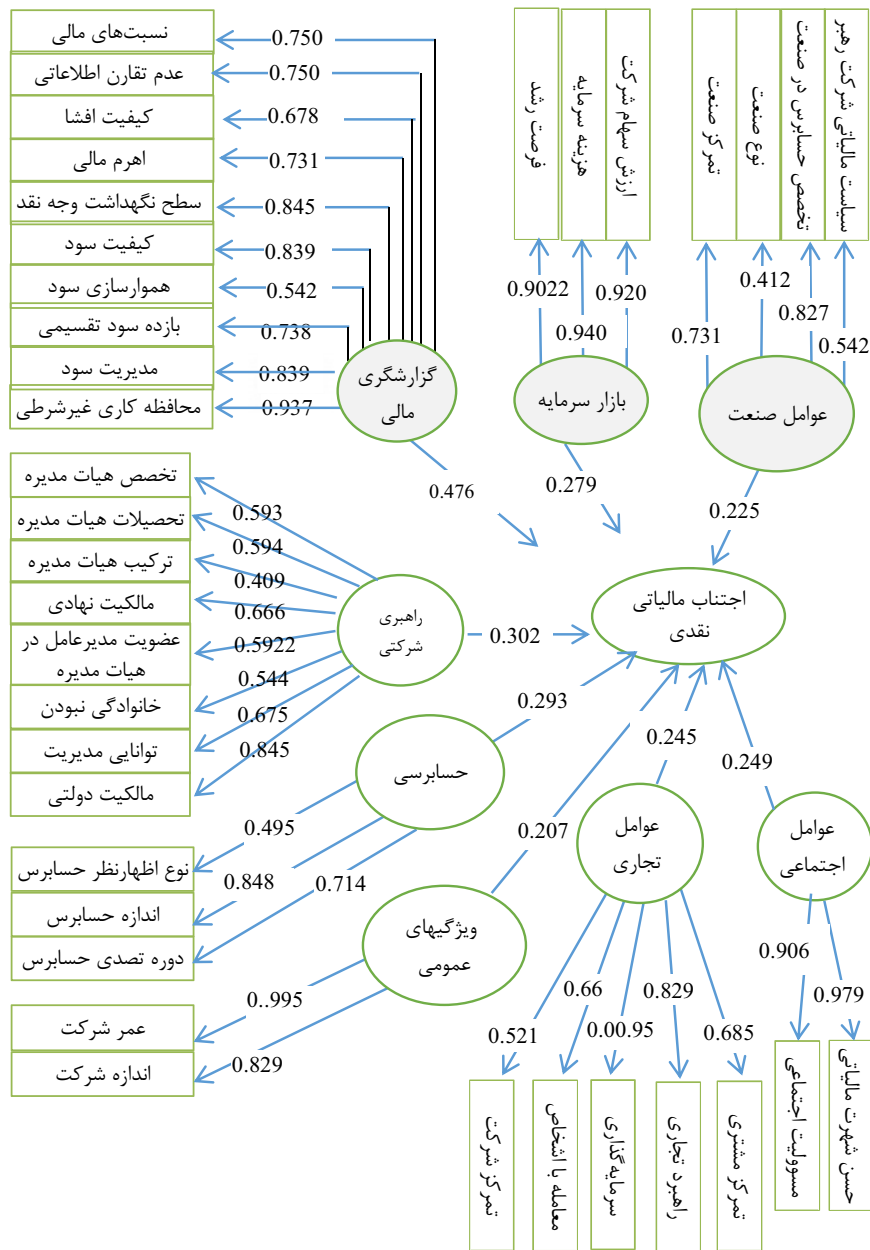
مدل معادلات ساختاری و نتایج تحقیق

در معادلات ساختاری دو نمودار استخراج می‌شود یکی مدل استاندارد که در آن ضرایب مسیر و بارهای عاملی مشخص است و دیگری مدل معنی‌داری که در آن معنی‌دار بودن آنها. این مدل تمامی معادلات را با استفاده از آماره t ، آزمایش می‌کند و چنانچه مقدار آماره t از ۱/۹۶ بیشتر باشد ضریب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (نیکبخت و احمدخان‌بیگی، ۱۳۹۷). در این تحقیق، با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی به شش روش اندازه‌گیری شد (جدول ۴)، شش بار مدل‌سازی انجام گرفت و باتوجه به شاخص نیکویی برازش (جدول ۸)، مدلی که متغیر وابسته آن، اجتناب مالیاتی نقدی (Y_5) بود به عنوان مدل تحقیق انتخاب گردید.

مدل معادلات ساختاری تحقیق در حالت استاندارد در شکل (۱) و مقادیر آماره (t) در جدول (۷) نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود مقدار آماره (t) در تمام روابط بین عوامل و اجتناب مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر بوده و تمام فرضیه‌های تحقیق تایید می‌شود. باتوجه به وجود ضرایب مسیر مثبت می‌توان گفت عوامل شناسایی شده بر اجتناب مالیاتی تاثیر مستقیم دارد. ضریب تعیین این روابط عدد ۰/۶۷۹ است. این عدد نشان می‌دهد این عوامل می‌توانند ۶۷/۹ درصد تغییرات اجتناب مالیاتی را پیش‌بینی کند.

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق بر اساس نتایج معادلات ساختاری

نتیجه	t-value	ضریب مسیر	عامل
تایید	۴/۰۲۶	۰/۲۲۵	فرضیه ۱: عوامل مربوط به صنعت بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۱۸۶	۰/۴۷۶	فرضیه ۲: عوامل مربوط به گزارش‌های مالی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
تایید	۲/۶۸۲	۰/۳۰۲	فرضیه ۳: عوامل راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۱۷	۰/۲۴۹	فرضیه ۴: عوامل اجتماعی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
تایید	۲/۳۲۸	۰/۲۷۹	فرضیه ۵: عوامل مربوط به بازار سرمایه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۴۰	۰/۲۹۳	فرضیه ۶: عوامل مربوط به حسابرس بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۹۷	۰/۲۴۵	فرضیه ۷: عوامل تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۱۲۹	۰/۲۰۷	فرضیه ۸: ویژگیهای عمومی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
	۰/۶۷۹		ضریب تعیین



شکل ۱. مدل اصلی تحقیق بر اساس شاخص‌های معرفی شده

جدول شماره (۸) شاخص‌های روایی، پایایی و برازش مدل را نشان می‌دهد. در این جدول، AVE بیانگر میانگین بارهای عاملی است که واریانس متغیرهای پنهان را تبیین می‌کنند. R^2 نیز همان ضرایب مسیر است. برای محاسبه نیکویی برازش از رابطه شماره (۳) استفاده شده است:

$$GOF = \sqrt{AVE} \times \sqrt{R^2} \quad \text{رابطه (3)}$$

که در آن $\sqrt{R^2}$ و \sqrt{AVE} مجذور میانگین AVE و R^2 است. بالاتر بودن شاخص GOF از ۰/۴ برازش مدل را نشان می‌دهد. مقدار شاخص برازش مدل تحقیق ۰/۴۵۶ شده و از مقدار ۰/۴ بزرگتر است. به بیان دیگر داده‌های این تحقیق با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد.

جدول ۸- شاخص‌های روایی، پایایی و برازش مدل

GOF	$\sqrt{R^2}$	\sqrt{AVE}	R^2	AVE	متغیرهای پژوهش
۰/۴۵۶	۰/۵۳۳	۰/۸۵۶	۰/۲۲۵	۰/۶۲۸	عوامل مربوط به صنعت
			۰/۴۷۶	۰/۷۴۷	عوامل مربوط به گزارش‌های مالی
			۰/۳۰۲	۰/۲۸۳	عوامل راهبری شرکتی
			۰/۲۴۹	۰/۹۴۳	عوامل اجتماعی
			۰/۲۷۹	۰/۹۳۰	عوامل مربوط به بازار سرمایه
			۰/۲۹۳	۰/۶۸۶	عوامل مربوط به حسابرس
			۰/۲۴۵	۰/۷۳۲	عوامل تجاری
			۰/۲۰۷	۰/۹۱۲	ویژگی‌های عمومی

جدول (۹) خروجی نرم افزار اکسپرت چویس در تحلیل سلسله مراتبی را نشان می‌دهد. همانطور که ضرایب ابعاد مندرج در جدول (۹) نشان می‌دهد، اهمیت عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی از نظر خبرگان به ترتیب عبارتند از: عوامل تجاری، عوامل راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرس، عوامل مربوط به گزارش‌های مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگی‌های عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی.

جدول ۹- وزن عوامل از نظر خبرگان

عوامل	صنعت	گزارش‌های مالی	راهبری شرکتی	اجتماعی	بازار سرمایه	حسابرس	تجاری	عمومی
ضریب	۰/۰۹۳	۰/۱۰۲	۰/۲۱۶	۰/۰۳۰	۰/۰۵۳	۰/۱۵۱	۰/۲۶۱	۰/۰۹۲

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از مدلی که ارائه و رتبه‌بندی که انجام شد ممیز مالیاتی می‌تواند با استفاده از اطلاعات عام و خاص شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران حدس بزند اجتناب مالیاتی مؤدی نسبت به سایر مؤدیان بالاتر است یا خیر. در این رتبه‌بندی، عوامل تجاری دارای بالاترین اهمیت از نظر خبرگان شناخته شدند.

یکی از مولفه‌های عوامل تجاری در این تحقیق تمرکز مشتریان است. در ماندگی مالی و اعلام ورشکستگی یا اتخاذ تصمیم هر یک از مشتریان عمده نسبت به تغییر تأمین‌کننده و همچنین تولید محصول توسط خود این مشتریان، تأمین‌کننده را با ریسک کاهش فروش آتی و به‌دنبال آن افزایش ریسک جریان های نقدی شرکت مواجه می‌کند (دالیوال، ۲۰۱۶). ضمن اینکه مشتریان عمده تمایل دارند از قدرت چانه‌زنی خود به منظور وادار کردن تأمین‌کننده به کاهش قیمت فروش، ایجاد شرایط اعتباری راحت‌تر و دفعات تحویل بیشتر با مقادیر کمتر مطابق با کاهش سطح موجودی مشتریان عمده استفاده کنند. این توافقی‌های نامطلوب بر ریسک سودآوری و نقدینگی آتی تأمین‌کننده تاثیرگذار است (پیرسی و لان، ۲۰۰۶) این استدلال‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های با مشتری متمرکز، ریسک جریان‌های نقدی بیشتری داشته و برای غلبه بر آن و نمایش دادن توانایی مالی خود، ترجیح می‌دهند با اجتناب مالیاتی، وجه نقد بیشتری نگهداری کنند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). البته شرکت‌ها می‌توانند وجه نقد را از سایر منابع نظیر صدور سهام، صدور اوراق بدهی، عدم پرداخت سود سهام و کاهش هزینه‌های اختیاری نیز به دست آورند، اما تکیه شرکت‌ها به اجتناب از مالیات یا سایر ابزارها به منظور ایجاد وجه نقد، به هزینه نسبی هر یک از روش‌ها بستگی دارد. انتظار بر این است که اجتناب از مالیات به عنوان ابزاری برای ایجاد وجه نقد، هزینه‌های نسبتاً کمتری داشته باشد (شیبانی تدرجی و همکاران، ۱۳۹۷). مطابق نتایج این تحقیق نیز، شرکت‌های دارای مشتریان عمده، دارای اجتناب مالیاتی بالاتری هستند. ارتباط وجود مشتریان عمده و اجتناب مالیاتی در تحقیقات شیبانی تدرجی و همکاران (۱۳۹۷) و هانگ و همکاران (۲۰۱۶) نیز تایید شده است.

یکی دیگر از مولفه‌های عوامل تجاری در این تحقیق، معامله با اشخاص وابسته است. یعنی هرچه میزان خرید و فروش کالا و یا خدمات به فروشندگان و خریداران بیشتر باشد آن شرکت بیشتر به دنبال اجتناب مالیاتی است. پارک (۲۰۱۸) استدلال می‌کند شرکت‌های عضو یک گروه تجاری که در مناطق دارای نرخ مالیاتی بالا فعالیت می‌کنند می‌توانند از طریق معامله با شرکت‌های همان گروه که در مناطق با نرخ مالیاتی پایین فعالیت می‌کنند معامله داشته و با انتقال سود خود به آنها مالیات خود را حداقل کنند. تاثیر معامله با اشخاص وابسته در تحقیق رضایی و مظاهری (۱۳۹۵) و پارک (۲۰۱۸) نیز تایید شده است.

داشتن راهبرد تجاری هم بر رفتار مالیاتی شرکتها اثرگذار است. شرکتهایی که به حداقل کردن هزینه‌ها علاقه‌مند هستند (رهبر در هزینه)، به طور طبیعی بیشتر از سایرین به دنبال کاهش هزینه مالیات هستند. از سوی دیگر شرکتهایی که بیشتر بر روی رشد و نوآوری تمرکز دارند (تمایز ساز) به شدت به دنبال فرصت‌های جدید هستند و این امکان وجود دارد که این فرهنگ تهاجمی، سطح اجتناب مالیاتی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین همانطور که نتیجه این تحقیق نیز نشان داد شرکتهای دارای استراتژی تجاری، بیشتر به سراغ اجتناب مالیاتی می‌روند.

سرمایه‌گذاری در موجودی کالا نیز از عواملی است که در این تحقیق در دسته عوامل تجاری قرار گرفته است. زیمرمن (۱۹۸۳) بیان می‌کند از آنجا که موجودی کالای پایان دوره دارای تأثیر مستقیمی بر سود است این انتظار می‌رود که شرکتهای دارای سرمایه‌گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری باشند. بنابراین این شرکتهای دارای اجتناب مالیاتی کمتری هستند. نتایج تحقیق حاضر نیز موید این موضوع است که اجتناب از پرداخت مالیات در شرکتهایی که سرمایه‌گذاری در موجودی کالای کمتری دارند بیشتر است.

در این تحقیق، تمرکز شرکت از دیگر مولفه‌های عوامل تجاری است. هرچه شرکتهای به شرایط انحصار نزدیک شوند قادرند تا به میزان بالاتر و بادوام‌تر درآمدهای خود به منظور حفظ موقعیت در بازار برسند و می‌توانند با ترس کمتری نسبت به از دست دادن سهم بازارشان در فعالیت‌های جسورانه‌تر درگیر شوند بنابراین امکان اینکه رفتار اجتناب از پرداخت مالیات داشته باشند بیشتر است (پیرس، ۲۰۱۰). بر اساس نتایج تحقیق حاضر، این رابطه تایید شده است. بنابراین می‌توان گفت هرچه رقابت در یک صنعت کمتر باشد و حجم بیشتری از محصولات و خدمات ارائه شده در آن صنعت توسط شرکتهای کمتری ارائه شود میزان اجتناب مالیاتی در آن بیشتر است. تأثیر تمرکز شرکت بر اجتناب مالیاتی در تحقیق خدای و بزرایی (۱۳۹۴) و لینچ و همکاران (۲۰۱۳) نیز تایید شده است.

هدف نهایی این تحقیق ارائه مدلی عملیاتی برای اجتناب مالیاتی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر آن است که به سازمان امور مالیاتی در شناسایی مؤدیان پرخطر مالیاتی کمک کند. ممیزان مالیاتی می‌توانند با اندازه‌گیری خاصه‌های مطرح شده تحقیق برای مؤدیان و قرار دادن آن در مدل نهایی این تحقیق و با استفاده از رتبه متغیرها، میزان خطر اجتناب مالیاتی مؤدیان نسبت به یکدیگر را بسنجند و برای مؤدیان پرریسک‌تر زمان و انرژی بیشتری بگذارند. همچنین برای پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌گردد: (۱) برای شناسایی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی از روش

متاسفانه^۱ استفاده شود. ۲) به جای شش بار مدلسازی با روش معادلات ساختاری و مقایسه آنها، اجتناب مالیاتی با رویکردهای مختلف یکجا در مدل وارد شوند. ۳) متغیرهای مستقل، متغیر مکنون در نظر گرفته شده و با روش‌های مختلف اندازه‌گیری شوند. ۴) مدلی با ترکیب متغیرهای کمی و کیفی نظیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران شرکت‌ها ارائه شود. ۵) باتوجه به ویژگی‌های هر صنعت مدل شناسایی مؤدیان پرریسک مالیاتی به تفکیک هر صنعت و با استفاده از تمام روش‌های اندازه‌گیری ارائه شود.

منابع

- آقایی، محمدعلی؛ حسنی، حسن و باقری، حسن. (۱۳۹۷)، نقش توانایی مدیریت در اجتناب مالیاتی شرکتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۴، شماره ۵۷، ۱۳۹۷، صص ۲۴-۴۷.
- اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۵)، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادار تهران، مجله راهبرد مدیریت مالی، سال چهارم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۵، صص ۱۵۱-۱۲۹.
- اسمعیلی، سعید؛ جبارزاده‌کنگروئی، سعید و متوسل، مرتضی. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای سود اطلاعاتی مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و چهارم، ۱۳۹۳، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- افلاطونی، عباس و نعمتی، مرضیه. (۱۳۹۷)، نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره اول، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۱.
- باقری، بهروز و عموری، مهدی. (۱۳۸۸)، شناسایی و اولویت بندی نسبت های مالی اثرگذار بر درآمد مشمول مالیات، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره چهارم، صص ۷۳-۸۰.
- برزگری خانقاه، جمال و فیض‌پور، محمدعلی. (۱۳۹۲)، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه"، مجله پژوهش‌های حسابداری، شماره ۹، صص ۲۳-۴۳.

^۱. synthesis

بحری ثالث، جمال؛ بهنمون، یعقوب و مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳)، ویژگیهای هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۲۴-۴۵.

بنی‌مهد، بهمن؛ عربی، سیدمهدی و حسن‌پور، شیوا (۱۳۹۷). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، چاپ دوم. تهران: ترمه.

بهشتی، یعقوب و رویایی، رضاعلی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و نگرش فرار مالیاتی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۴۷-۲۷۵.

حساس یگانه، یحیی و گل محمدی شورکی، مجتبی (۱۳۹۰)، رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها، پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، ۱۳۹۰، صفحه ۲۳۹-۲۶۳.

حسنی القار، مسعود و صابر شعری، آناقیز. (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره هشتم، شماره (۱)، ۱۳۹۶، صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۴.

خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و ملایی، مهنام. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۲۵، صص ۴۲-۶۸.

خدادادی، ولی و تاگر، رضا. (۱۳۹۱)، تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۵، ۱۳۹۱، صفحه ۳۶-۵۷.

خدای‌پور، احمد و بزرایی، یونس. (۱۳۹۴)، تاثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و هفت، صص ۲۱۱ - ۲۲۷.

خدای‌پور، احمد؛ هوشمند زعفرانی، رحمت اله و دلدار، مصطفی. (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره هفدهم، صص ۳۲ تا ۵۵.

خدای‌پور، احمد و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم، صص ۱۳۵-۱۵۵.

خواجوی، شکرالله و کیامهر، محمد. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و ششم، صص ۳۶۱-۳۸۰.

- دارابی، رویا؛ پاشانژاد، یوسف و تدوین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مسوولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۷-۹۲.
- دستگیر، محسن؛ ایزدی نیا، ناصر؛ عسکری، علی و رضانی، مهدی. (۱۳۹۴)، ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۳۴۰-۳۶۵.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ بنی‌مهد، بهمن و روستایی دره میانه، الهام. (۱۳۹۴)، رابطه بین استراتژی شرکتهای تجاری و سطح اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۱۲۳-۱۵۶.
- رحمانی، علی؛ ملانظری، مهناز؛ اربابی بهار، زهرا. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۱۱۶-۱۴۰.
- رضایی، فرزین و رحیمی آتانی، هانیه. (۱۳۹۵)، رابطه بین مسوولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- رضایی، معصومه و رضایی، فرزین. (۱۳۹۵)، ارتباط چسبندگی هزینه و مسوولیت‌پذیری اجتماعی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره دوم، صص ۱۶۳-۱۹۱.
- رضایی، فرزین و مظاهری، پریا. (۱۳۹۵)، تاثیر معامله با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی شرکتها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- رضان‌نیا، حسن و رضایی، فرزین. (۱۳۹۶)، بررسی اثر مسوولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر ریسک سیستماتیک و ریسک غیر سیستماتیک با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده-ها، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره چهارم، صص ۱۸۹-۲۱۴.
- فروغی، داریوش و محمدی، شکوفه. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیستم، صص ۱۰۱ - ۱۲۲.
- سپاسی، سحر؛ پارساپور، محمدرضا و رضایت، محیا. (۱۳۹۶)، طراحی مدل تاثیر بعد اقتصادی مسوولیت اجتماعی بر اجتناب مالیاتی با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و پنج، صص ۳۱ - ۶۸.

شوروزی، محمدرضا؛ خلیلی، محسن؛ سلیمانی، حمید و فروتن، امید. (۱۳۹۴)، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۱۳۹.

شیبانی تدرجی، عباس؛ خدای پور، احمد و پورحیدری، امید. (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره دوم، صص ۲۱۴-۲۳۲.

لاری دشت بیاض، محمود؛ قائم مقامی، کامران و کهرمی، قاسم. (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تاکید بر مولفه‌های فرهنگی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری - سال اول، شماره اول، صص ۱۳۹-۱۶۴.

مجته‌زاده، ویدا؛ ابوحمز، مینا و میرزایی، محمد مهدی. (۱۳۹۴)، تاثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، ۱۳۹۴، شماره ۱۵، صص ۱-۲۱.

مشایخی، بیتا و علی پناه، صبری. (۱۳۹۴)، تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.

مشایخی، بیتا و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، سال ششم، صص ۸۳-۱۰.

موسوی، احمد؛ رضایی، فرزین و شاه‌ویسی فرهاد. (۱۳۹۶)، تبیین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تاثیر آن بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال دهم، شماره سی و سوم، صص ۸۹-۱۰۹.

محمدی، جواد و فخاری، حسین. (۱۳۹۵)، تاثیر خودکنترلی و تعهدات دینی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره دوم، صص ۴۱-۶۳.

مهرانی، کاوه و پروایی، اکبر. (۱۳۹۳)، کیفیت افشا در شرکت‌های خانوادگی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره چهارم، صص ۵۴۰-۵۲۷.

نیکبخت، محمدرضا و احمدخان‌بیگی، مصطفی. (۱۳۹۷)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره سوم، صص ۴۴۴-۴۵۴.

هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی. (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۳۹-۵۸.

- Allingham, M. G. and A. Sandmo., .1972. Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of Public Economics*. 1: 323-338.
- Chan, H, K., Mo, P, L, L , Zho, A, Y. 2013. Government ownership, corporate governance and tax aggressiveness. *Accounting and finance*, v 533, issue 4: 112-140.
- Desai, M., Dyck, I., Zingales, L., 2007. Theft and taxes. *Journal of Financial Economics*. 84: 591–623.
- Deslandes, M., Landry, S., 2007. Taxable Income, Tax-Book Differences and Earnings Quality. *Université du Québec à Montréal* . 44: 510–540.
- Ben-Hsien, B., and Da- Hsien, B. 2004. Income Smoothing, Earnings Quality and Firm Valuation. *Journal of Business Finance& Accounting*. 99: 112-146.
- Campbell, K. and Helleloid, D. 2016. Social responsibility and tax avoidance. *Journal of Accounting Education*. Doi:10.1016/j.jaccedu.2016.09.001.
- Cook, K. A., and Moser, W, J and Omer, C, T. 2017. Social responsibility and tax avoidance and ex-ante cost of capital. *Journal of business finance accounting*. Doi:10.10.1111/jbfa.12258.
- Dechow, P.M. and D.J. Skinner. 2000. Earnings Management: Reconciling the Views of Accounting Academics, Practitioners, and Regulators. *Accounting Horizons*. 110:235 50.
- Desai, M.A., Dharmapala, D.2009. Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91(3): 537–546.
- Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. MacVay.2013. Managerial ability and Earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2): 463-498
- Dhaliwal, D, S., Huang, S, X., Moner, W., Pereira, R. 2011. Corporate Tax Avoidance and the Level and Valuation of Firm Cash Holdings. *Contemporary Accounting Research*,21: 431–459.
- Dhaliwal, D., Judd, J. S., Serfling, M. A., Shaikh, S.A.2016. Customer Concentration Risk and the Cost of Equity Capital. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1): 23-48.
- Donohoe, P , M., Knechel , W, R.2013.Does corporate tax aggressiveness influence audit pricing?. *Contemporary Accounting Research*. 22: 440-461.
- Ferguson, A., J. Francis, and D. Stokes.2003. The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing. *The Accounting Review*,78 (2): 429–448.
- Francisa, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K.2005. The market pricing of accruals quality, *Journal of Accounting and Economics*. NC 27708-0120.
- Givoly, D and Hayn, C.2000.The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become more conservative?, *Journal of Accounting and Economics*, 29 (1): 287–320.
- Gul, F. 2010. Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265–287.
- Hanlon, M., and S. Heitzman. 2010. A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127–178.
- Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.

- Jensen, M., Meckling, W. 1976. Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*, 3: 305–360.
- Kim, K. A., & Limpaphayom, P. 1998. Taxes and firm size in Pacific-Basin emerging economies. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 7(1): 47-8.
- Khwaja, Munawer Sultan, Rajul Awasthi, and Jan Loeprick. 2011. Risk-Based Tax Audits: Approaches and Country Experiences, *The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank*, 1818 H Street NW, Washington DC 20433.
- Kwun, p. arzimanoglou. A., Berg. A. 2010. Definition of drug resistant epilepsy, *wiley online library*, volume 51, issue 6: 133-160.
- Lieberman, M., ASABA, A. 2006. HY DO FIRMS IMITATE EACH OTHER?, *Academy of Management Review*, Vol. 31, No. 2, 366–385.
- Linch, D., Kubick, T. R., Mayberry, M.A., & Omer, T. C. 2013. Product Market Power and Tax Avoidance: Market Leaders, Mimicking Strategies, and Stock Returns, www.ssrn.com
- Lin, Z. J.; and M. Liu. 2009. The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 89: 44-59.
- Minnick, K., & Noga, T. 2010. Do corporate governance characteristic influencing tax management?. *Journal of Corporate Finance*, 16: 703 – 718.
- Muth, M. M., and Donaldson, L. 1998. Steward theory and board structure: A contingency approach. *Corporate Governance*. 6: 5-28.
- Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R. & Williamson, R. (1999). «The Determinants and Implications of Corporate Cash Holdings», *Journal of Financial Economics*, Vol. 52, 3–46.
- Park, S. 2018. Related Party Transactions and Tax Avoidance of Business Groups. *Sustainability Journal*. doi:10.3390/su10103571.
- Palmrose, Z. V. 1988. An analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*, 63: 55–73.
- Pei-Hui, M, Moore, J, A. Neubaum, D, O. 2014. TAX AVOIDANCE, FINANCIAL EXPERTS ON THE BOARD, AND BUSINESS STRATEGY, *Journal of Accounting and Economics*, 6: 5-28.
- Peress, J. 2010. Product market competition, insider trading and stock market efficiency. *Journal of Finance*, 65: 1-43.
- Piercy, N., Lane, N. 2006. The Underlying Vulnerabilities in Key Account Management Strategies. *European Management Journal*, 24(2-3): 151-162.
- Rezaee, F., Sherafati, F. 2015. Impact of tax avoidance co-determinant on relationship between future and current profitability. *Iranian journal of business and economics*. V2. I3: 43-70.
- Rezaee, F., zare, m. 2014. Effect of product market power, concentration of industrial groups and policies of leading company. *Advances in environmental biology*. 99: 382-393.
- Ross, M., Roman, L., Peter, W., Brett, G. 2017. The impact of dividend imputation on corporate tax avoidance: the case of shareholder value. *Journal of corporate finance*, volume 48: 492-514.

- Tien, S., Zhihong, W., Sebahattin, D. 2018. Overconfidence and tax avoidance: the role of CEO and CFO interaction. *Journal of accounting and public policy*, volume 37, issue 3: 241-253.
- Venkatesh, P. C., and R. Chiang. 1986. Information Asymmetry and the Dealers Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. *The Journal of Finance*, Vol. 41, No. 5: 1089- 1102.
- Watson, L. 2015. Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance and Earnings Performance, *The journal of the American Taxation Association*, Vol 37, issue 2: 1-21.
- Watts, R. 2003. Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities, *Financial Research and Policy*, No4: 03-25.
- Sidney, C, M, Leng. Grant R, Grantly, T. 2019. The effect of the general anti-avoidance rule on corporate tax avoidance in china. *Journal of contemporary accounting and economic*. 15: 105-117.
- Yukun Sun .2014. Corporate Tax Avoidance and Government Corruption: Evidence from Chinese Firms. 12: 120-150.
- Zimmerman, J. 1983. Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics*. 5: 119 – 149.